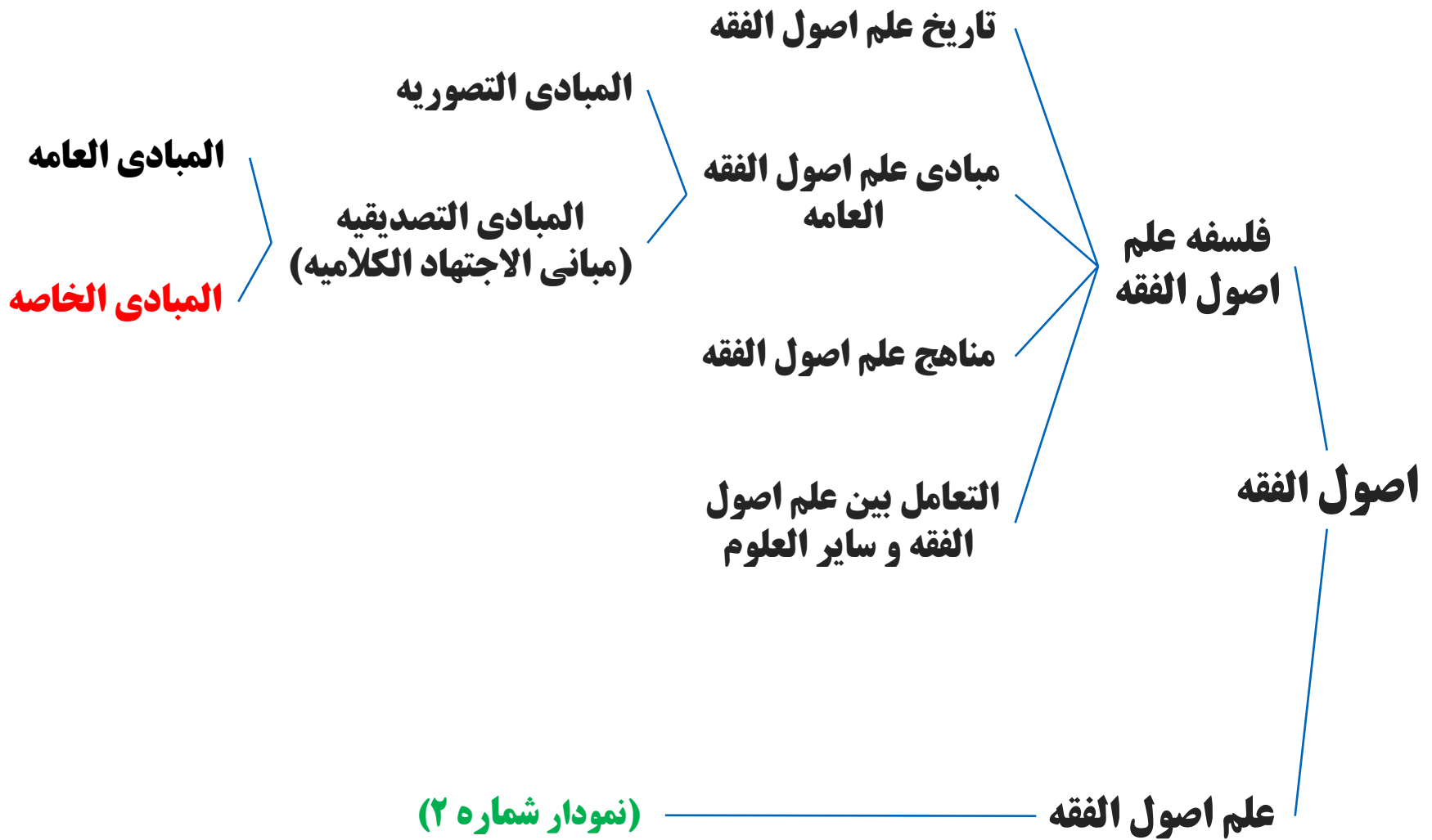


علم أصول الفقه

۲۳-۷-۹۰ مبادی مشترک تصدیقی ۱۴

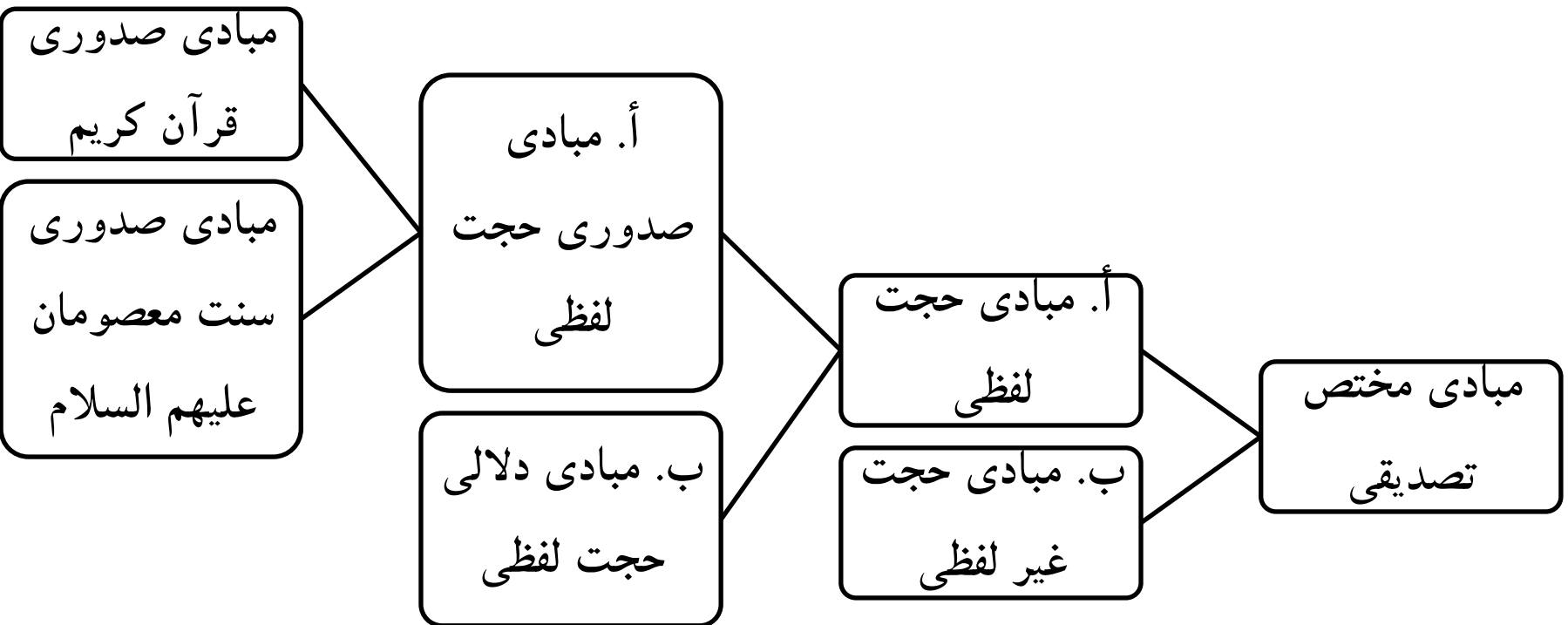
دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

(نمودار شماره ۱)

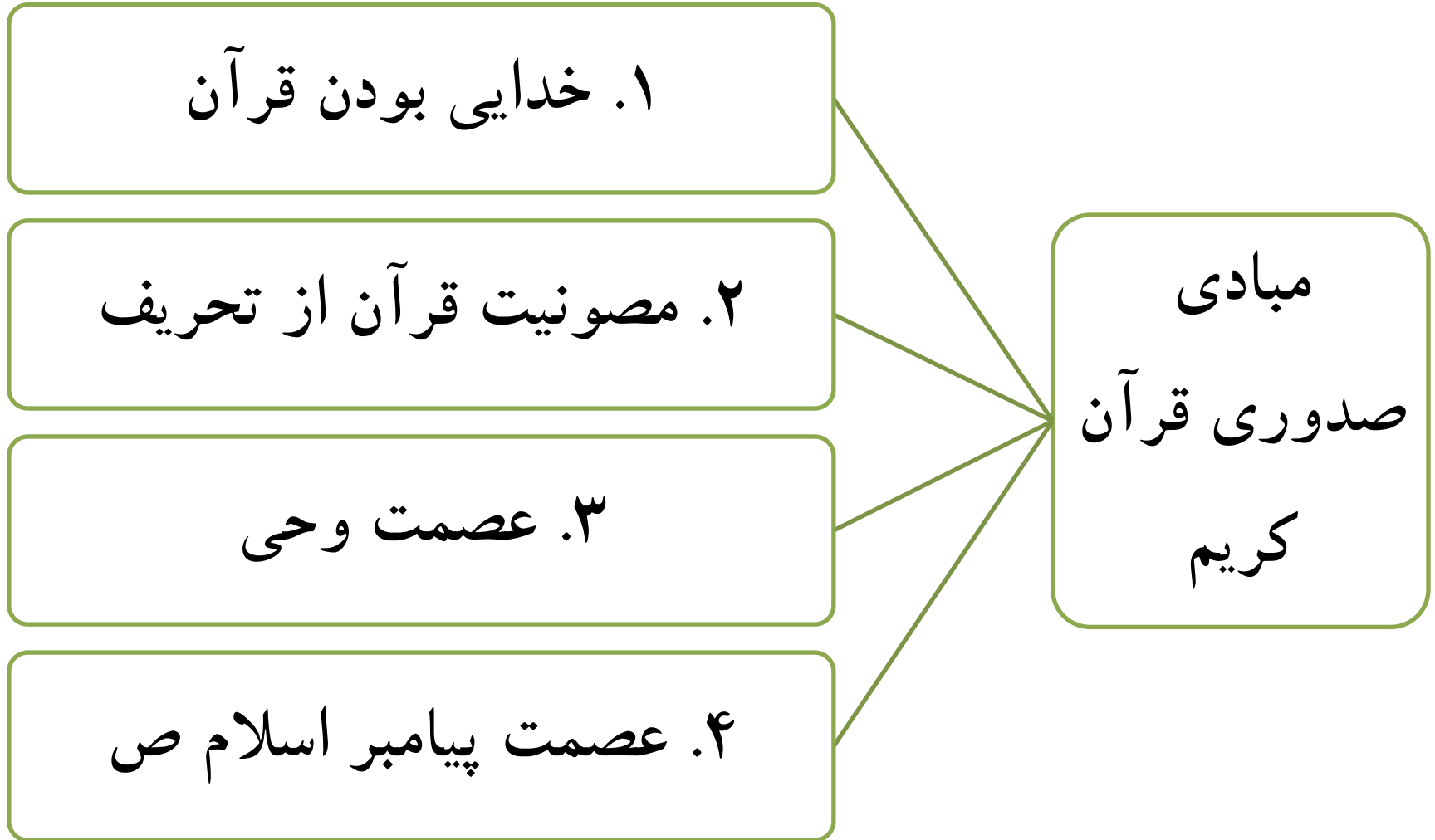


(نمودار شماره ۲)

علم أصول الفقه



مبادی صدور قرآن کریم



نزول قرآن از سوی خداوند

۱. مفاد و محتوای قرآن

۲. مفردات قرآنی (الفاظ و تک تک کلمات)

۳. ترکیب الفاظ (عبارات قرآن)

۴. آیات و سور

۵. مجموعه‌ای که قرآن می‌نامیم

سطوح
و حیاتی بودن
قرآن

نزول قرآن از سوی خداوند

- برخی از این سطوح مورد توافق و تسالم تمامی مسلمانان است و البته در برخی دیگر اختلافاتی وجود دارد.
- الهی بودن محتوا و مفاد قرآن از جمله مواردی است که هیچ مسلمانی آن را انکار نمی‌کند. انکار وحیانی بودن مفاهیم قرآنی، انکار حقانیت اسلام است.
- مسلمانی که معتقد باشد این مفاهیم وحیانی نیستند و حضرت بااطلاع و علم خویش آنها را بیان کرده است، وجود ندارد.
- صاحبان این اندیشه از غیر مسلمانان و مثلاً از یهود و نصاری هستند.

نزول قرآن از سوی خداوند

- در نظر اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان الفاظ مفردهی قرآن نیز وحیانی است.
- البته برخی روشنفکران معاصر در این مسأله تردید کرده و گفته‌اند: مفاد قرآن وحیانی است؛ اما الفاظ و تراکیب وحیانی نیست.
- در نظر آنها حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، مفاهیم مجملی را بدون لفظ و بدون عبارت درک می‌کرده و سپس آنها را در قالب عباراتی بیان می‌نموده است. یعنی این عبارات ساخته و پرداخته‌ی خود آن حضرت صلی الله علیه و آله بوده و از سوی خداوند نازل نشده است.

مبادی صدور قرآن کریم

- سخن این گروه یعنی روشنفکران مسلمان معاصر با تفکر تمام عالمان اسلامی و نه فقط علمای شیعه، تنافی دارد.
- از همان ابتدا عالمان اسلامی بین احادیث قدسی و آیات قرآن فرق می گذاشتند. در نظر آنان مفاد احادیث قدسی، الهی، ولی عبارتش از خود حضرت بوده است؛ در حالی که قرآن حتی در الفاظ و عبارات هم وحیانی است. داستان‌های فراوانی که در نحوه نزول قرآن بیان شده و آیات فراوانی که خودش این نکته را بیان می‌کند، مستند قول علمای اسلامی بوده است که در بحث‌های آتی مفصلاً به آنها خواهیم پرداخت.

مبادی صدور قرآن کریم

- شایان ذکر است که نظر این گروه در این حد متوقف نشد و مطرح کنندگان این بحث هر بار چیزی فراتر از مطلب قبل خویش بیان نمودند و در هر مطلب، سطحی پایین تر از درک و فهم را به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نسبت دادند.

مبادئ صدوری قرآن کریم

- ابتدا گفتند: الفاظ را خود حضرت بیان نموده است.

مبادی صدوری قرآن کریم

- سپس قایل شدند که حضرت مطالب خود را در آن بلندایی که درک می‌کرد، برای مخاطبان بیان ننموده، بلکه در سطح مخاطبان خود سخن گفته است.

مبادی صدور قرآن کریم

- بعد از این مطرح کردند که حضرت در حد فهم خویش مطالب را بیان می نمود. یعنی وقتی مفاهیم به حضرت القا می شد، وی در سطح اطلاعاتی که داشت، مطالب را بیان می کرد.
- بنا بر این اندیشه‌ی اخیر، حضرت از اطلاعات و علوم امروز بی-بهره بود، سطح اطلاعات و دانش او، مربوط به آن زمان و آن عصر بود و معرفت او همانند معرفت دیگر انسان‌ها، در حال افزایش و گسترش بوده است.

مبادی صدور قرآن کریم

- حاصل بحث «بسط تجربه‌ی نبوی» با تمام مهارتی که در بیانش به کار رفته، همین مطلب است. بنا بر آن نظر، حضرت صلی الله علیه و آله، یک معنای مبهمی را درک می‌کرد؛ مثلاً درمی‌یافت که یک موجود ماورایی وجود دارد.
- بعد با اطلاعات و علم خویش اعلام می‌داشت که آن موجود باید الله باشد و باید فلان خصوصیات و ویژگی‌ها را داشته باشد.
- بدین ترتیب او درک بی-زبان خویش را به الفاظ تبدیل می‌کرد و تمامی قرآن از حمد تا سوره‌ی ناس بدین صورت شکل گرفت.

مبانی صدور قرآن کریم

- ناگفته نماند که این اندیشه برگرفته از اندیشه‌ی مسیحیان در مورد کتاب مقدس است.
- کتاب مقدس مسیحی دو بخش دارد: أ. عهد عتیق، ب. عهد جدید.
- در عهد جدید مطالبی وجود دارد که بخشی از آنها را انجیل‌های چهارگانه تشکیل می‌دهد و بخش وسیعی مربوط به نامه‌های رسولان است.
- مسیحیان معتقدند: مفاد انجیل‌های چهارگانه و حیانی، اما عباراتشان، بشری می‌باشد.

مبادی صدوری قرآن کریم

- در حالی که وقتی به تلقی مسیحیان از وحی نگاه کنیم، متوجه می شویم که نمی توان عیناً همان اندیشه را در مورد حضرت رسول صلی الله علیه و آله نیز صادق دانست.

مبادی صدور قرآن کریم

- در نظر مسیحیان، عیسی خود خدا است نه پیامبر خدا؛ خود خدا پایین آمده و تجسد یافته است.
- به همین دلیل، مسیحیان، دین مسیحیت را آخرین دین می‌شمارند و می‌گویند: وقتی خود خدا فرود آمده و هر چه را که می‌خواستہ بیان کند، با خود آورده است، دیگر نیازی به فرستادن پیامبر جدیدی ندارد.

مبانی صدور قرآن کریم

- آنها خود شخص عیسی را بزرگترین وحی الهی می دانند. وحی در نظر آنان پیدایی، تجلی و ظهور خدا است و بزرگترین ظهور خدا، خود خدا است و بقیه‌ی مخلوقات، نشانه‌های او هستند.
- همچنین معتقدند: تمام کسانی که انجیل‌های چهارگانه را نوشتند، بشر بودند و وحی را به عبارات خودشان نوشتند.

مبادی صدور قرآن کریم

- به عبارت دیگر آنها عیسی را اصلاً پیامبر نمی دانند تا یک چیزی به نام وحی که یک طریق ادراکی بین پیامبر و خدا است، داشته باشند. نویسندگان انجیل های چهارگانه، به ادراک حسی، خدا را (عیسی را) می دیدند و سخنان او را می شنیدند و بدین ترتیب وحی را یعنی همان تجلی و پیدایی خدا را نوشته اند.

مبادی صدور قرآن کریم

- این باور مسیحی را که بر اساس مجموعه‌ی اصطلاحات و اعتقادات مسیحی شکل گرفته، برخی مسلمانان تکرار می‌کنند؛ اما به شکل اسلامی‌اش.
- در نظر این روشنفکران پیغمبر، خود خدا نیست، یک بشر است ولی بشری در حد همان نویسندگان انجیل‌های چهارگانه و بلکه پایین‌تر از آنان!!! آن نویسندگان لااقل خدا را به چشم می‌دیدند و اطلاعاتشان مستند به حس بود؛ اما پیامبر صلی الله علیه و آله، خدا را هم نمی‌دید و سخن او را به ادراک حسی نمی‌شنید.

مبادی صدور قرآن کریم

- خدای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، به زمین نیامده و تجسد نیافته بود، از این رو، پیامبر فقط یک سری ادراکات مبهمی داشت که به آنها زبان می داد و برای مردم بیان می کرد.

مبادی صدور قرآن کریم

- گویا این روشنفکران، پیامبر را به خود قیاس می‌کنند و گمان دارند که پیامبر هم همچون آنان که خواب‌های آشفته می‌بینند و درک واضحی از یک مطلب معنوی و دقیق ندارند، درک مبهمی داشته و حقیقت را به اندازه‌ی اطلاعات خویش که در حد اطلاع یک انسان عادی است، می‌فهمیده است.

مبادی صدوری قرآن کریم

- در مقابل این دیدگاه، نظر اکثریت قریب به اتفاق علمای اسلام است. همان طور که علامه طباطبایی در بحث‌های مختلف المیزان اشاره می‌کند، اعتقاد بر این است که حقیقت قرآن دو بار نازل شده است. یک بار دفعتاً و یک بار به تدریج.

مبادی صدور قرآن کریم

- خداوند در سوره‌ی قیامت می‌فرماید: ان علینا جمعه و قرآنه (نجم، ۳ - ۴).
- علامه معتقد است که این آیه از آیاتی است که نشان می‌دهد قرآن دو مرتبه و دو مرحله داشته است. قرآنی که دفعتاً نازل شده، یک حقیقت فارغ از الفاظ است و به تعبیر مرحوم شاه آبادی (در تفسیر آیه‌ای از سوره‌ی قدر که می‌فرماید انا انزلناه فی لیلۃ القدر)، آن قرآن، همان علم الهی است که در مرتبه‌ای به قلب حضرت و انسان کامل نازل می‌شود. این حقیقت، تنزیل یافته و از آن مرتبه‌ی خویش تنزل کرده تا به شکل کتابت و آوا و الفاظ در آمده است. اینجاست که قرآن می‌فرماید: ان علینا جمعه و قرآنه. قرآن در این مرتبه به تدریج نازل شده و دارای لفظ است.

مبادی صدور قرآن کریم

- در نزول دفعی، کل قرآن، یعنی آن حقیقت بسیط علم الهی، یکباره بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و در نزول تدریجی، آیات قرآن به تناسب موقعیت‌ها و به تدریج نازل شده است.
- به تعبیر علامه، حضرت صلی الله علیه و آله آن آیات را می‌شنیده و فرشته‌ی وحی را می‌دیده است؛
- هر چند کسانی که در کنار او بودند نه صدای وحی را می‌شنیدند و نه فرشته‌ی وحی را می‌دیدند.

- ٦١- نهج، [نهج البلاغة] وَ لَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ خَدِيجَةَ وَ أَنَا ثَالِثُهُمَا أَرَى نُورَ الْوَحْيِ وَ الرِّسَالَةَ وَ أَشْمُ رِيحَ النَّبُوَّةِ وَ لَقَدْ سَمِعْتُ رِنَةَ الشَّيْطَانِ حِينَ نَزَلَ الْوَحْيُ عَلَيْهِ ص فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَذِهِ الرِّنَةُ فَقَالَ هَذَا الشَّيْطَانُ قَدْ آيَسَ مِنْ عِبَادَتِهِ إِنَّكَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ وَ تَرَى مَا أَرَى إِلَّا أَنَّكَ لَسْتَ بِنَبِيٍّ وَ لَكِنَّكَ وَزِيرٌ وَ إِنَّكَ لَعَلَى خَيْرٍ
- بيان قال ابن أبي الحديد و أما رنة الشيطان

- فَرَوَى أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ فِي مُسْنَدِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَبِيحَةَ اللَّيْلَةِ الَّتِي أُسْرِيَ بِهَ فِيهَا وَهُوَ بِالْحَجْرِ يُصَلِّي فَلَمَّا قَضَى صَلَاتَهُ وَقَضَيْتُ صَلَاتِي سَمِعْتُ رَنَةً شَدِيدَةً فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَذِهِ الرَّنَةُ قَالَ أَلَا تَعْلَمُ هَذِهِ رَنَةُ الشَّيْطَانِ عَلِمَ أَنَّهُ أُسْرِيَ بِي اللَّيْلَةَ إِلَى السَّمَاءِ فَأَيْسَ مِنْ أَنْ يُعْبَدَ فِي هَذِهِ الْأَرْضِ

مبادی صدوری قرآن کریم

- پیامبر عین قرآن را از فرشته‌ی وحی دریافت می‌کرد؛ نه کلمه‌ای بر آن می‌افزود و نه کلمه‌ای از آن می‌کاست.

مبادی صدور قرآن کریم

- به همین دلیل همواره از ابتدای شکل‌گیری اسلام در بین مذاهب اسلامی، کلمات حضرت جدای از قرآن حساب می‌شد. هیچ عالم و متفکر اسلامی، روایات حضرت را با آیات وحی قرآنی مخلوط نکرده است.
- همیشه حریم آیات از حریم روایات، حتی روایات قدسی که در آنها قال الله دارد و سخن-گو خود خدا است، جدا نگه داشته شده است.
- ما در هیچ زمانی سراغ نداریم که کسی حتی احادیث قدسی را به عنوان فصلی جداگانه در قرآن ذکر کند و بگوید قرآن دو بخش است و یک بخش آن مربوط به احادیث قدسی می‌باشد.

مبادی صدور قرآن کریم

- یعنی درست است که قرآن در مورد پیامبر می‌فرماید: «و ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی» [و از سر هوس سخن نمی‌گوید. این سخن به جز وحی-ای که وحی می‌شود، نیست] و روایات و احادیث پیامبر همگی منشأیی و حیانی و الهی دارند، اما الفاظ آنها همیشه غیر الفاظ قرآن تلقی می‌شده است و در طول تاریخ، مسلمانان این مرز را حفظ کرده‌اند.

مبانی صدوری قرآن کریم

- نکته‌ی قابل توجه این است که اگر کسی اعتقاد داشته باشد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از یک علم الهی برخوردار است و علم او محدود به معلومات بشر تا آن زمان نیست، در عین حال الفاظ قرآن را غیر وحیانی و منسوب به پیامبر بداند، در استفاده از مفاهیم قرآن مشکلی ندارد. او فقط نمی‌تواند از الفاظ قرآن به عنوان یک امر وحیانی استفاده کند.

مبادی صدور قرآن کریم

- به عبارت دیگر در نظر او مرز بین کتاب و سنت از بین می‌رود و قرآن هم نوعی روایت خواهد بود؛ منتهی روایتی که به تواتر نقل شده است.
- این حد از اعتقاد اگر چه مخالف مسلمات اسلام و ناسازگار با خود قرآن است؛ اما به الهی بودن محتوا ضربه‌ای نمی‌زند.

مبادی صدوری قرآن کریم

- اما اگر کسی به فراتر از این مطلب اعتقاد پیدا کند و اطلاعات حضرت را از یک سو محدود به اطلاعات بشر در آن زمان بداند و از سوی دیگر قایل به رشد و تکامل آنها باشد، بحث شکل دیگری خواهد گرفت.
- معنای چنین سخنی این است که ما هم می‌توانیم فهمی از وحی داشته باشیم که حضرت در آن زمان نمی‌توانسته صاحب آن درک و فهم باشد.
- آن موقع است که می‌توان نعوذ بالله ادعای برادری با پیامبر و یا بالاتر از آن را نمود.

مبادی صدوری قرآن کریم

- با توجه به آنچه تا کنون گفتیم، روشن گشت که و حیانی بودن الفاظ و آیات قرآن مورد تسالم تمامی مسلمانان است.

مبادی صدور قرآن کریم

- افزون بر این، همه قبول دارند که سُورِی از قرآن که آیاتشان به صورت مجموعی نازل شده، نیز وحیانی است. یعنی ترتیب این آیات در آن سور نیز از جانب خداوند است. مثل سوره‌ی حمد که آیاتش با هم نازل شده است.

مبادی صدور قرآن کریم

- اما در مورد سوری که آیاتشان کم کم نازل شده است و گاه ترتیب نزول هم ندارند، جای بحث است. همان طور که بعداً خواهیم گفت، ترتیب آیات قرآن و ترتیب سور همگی وحیانی است؛ اما این سطح از وحیانی بودن قرآن مورد تسالم همه نیست و در آن اختلاف وجود دارد.

مبادی صدوری قرآن کریم

- اینک بعد از این که نظر مسلمانان نسبت به و حیانی بودن قرآن معلوم گشت، به دلیل و حیانی بودن هر یک از سطوح مذکور می پردازیم.

مبادی صدوری قرآن کریم

- بدیهی است که در اینجا به اثبات و حیانی بودن مفاد قرآن نمی‌نشینیم، زیرا و حیانی بودن مفاد قرآن به اصل حقانیت اسلام باز می‌گردد. هر کس اسلام را به عنوان دین خاتم پذیرد، باید قبول کند که قرآن بر پیامبر وحی شده و مفاد آن و حیانی است.

مبادی صدور قرآن کریم

- به عبارت دیگر اثبات و حیانی بودن مفاد قرآن به مقدمات دیگری نیازمند است که اگر بخواهیم در این مجال به آنها پردازیم، باید از توحید شروع کنیم.
- بنابراین در اینجا اثبات خدا و اثبات نبوت و حتی نبوت خاص و شخص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را مسلم تلقی می‌کنیم و می‌پذیریم که این شخصیت با خداوند تبارک و تعالی ارتباط داشته و مطالبی را از طریق وحی دریافت کرده است.
- بعد از پذیرش این مطالب به اثبات و حیانی بودن الفاظ قرآن می‌پردازیم.

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- برای اثبات و حیانی بودن الفاظ قرآن چند راه وجود دارد:

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- أ. تمسک به کلمات حضرت رسول صلی الله علیه و آله: روایات فراوانی چه از طریق سنی و چه از طریق شیعه، به مسئله‌ی و حیانی بودن الفاظ قرآن پرداخته‌اند.

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- موارد متعددی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که یا خود آن حضرت یا راوی روایت به داستان نزول یک آیه یا مجموعه‌ای از آیات پرداخته‌اند.

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- در برخی از آنها خود حضرت صلی الله علیه و آله بیان می‌دارد که فرشته‌ی وحی بر من نازل شد و فلان آیه را خواند و در برخی دیگر، راوی به حادثه یا موقعیتی که فرشته‌ی وحی بر پیامبر نازل شد و آیه یا آیاتی را تلاوت نمود، اشاره می‌کند.
- بنابراین روایات فراوانی در مورد شأن نزول آیات، توضیح چگونگی نزول آنها و شرح آیات داریم که گواه بر وحیانی بودن الفاظ قرآن دارند. در این روایات صریحاً به وحیانی بودن الفاظ اشاره شده است.

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- از جمله‌ی این روایات، کلامی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله در مورد کیفیت وحی است، بدین مضمون: «گاهی صدای زنگ داری به گوش من می‌رسد که تحمل آن صدا و آن حالت برای من سخت است و در بعضی موارد فرشته‌ی وحی را در قالب بشری می‌بینیم که با من سخن می‌گوید.*»
- گفته‌اند: حالت اولی که حضرت صلی الله علیه و آله بیان کرده‌اند، ناظر به آیه‌ی شریفه‌ی «انا سنلقى علیک قولاً ثقیلاً» (مزمّل، ۵) است.
- * ر.ک: صبحی صالح، قرآن و وحی، ترجمه‌ی محمد مجتهد شبستری، صص ۳۶ - ۳۵؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۶۰.

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- در تمسک به این روایات، با چند سؤال مواجه هستیم:

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- اثبات نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله به معجزاتی است که پیامبر آورده و در بین معجزات آن حضرت، فقط قرآن معجزه‌ی باقی است. سایر معجزات باقی نمانده‌اند.
- اگر بخواهیم و حیانی بودن قرآن را به استناد روایات نبوی اثبات کنیم، نقش قرآن برای اثبات پیامبری حضرت صلی الله علیه و آله تا حدی مخدوش می‌شود. زیرا در این صورت سندیت قرآن مرهون روایاتی خواهد بود که از حضرت نقل می‌شود.

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- اما این مشکل قابل حل است. ما می‌توانیم پیامبری حضرت را با معجزاتی که به تواتر یا سند قطعی و معتبر برای ما نقل شده، اثبات کنیم. با اثبات پیامبری وی، می‌توانیم برای اثبات و حیانی بودن الفاظ قرآن، به خود کلمات آن حضرت تمسک نماییم.

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- بعد از فراغ از اشکال اول، اشکال دیگر این است که اگر مستقیماً این عبارات را از حضرت رسول صلی الله علیه و آله در مورد قرآن می شنیدیم، می توانستیم به این دلیل تمسک کنیم و بگوییم: این شخص به دلیل این معجزات پیامبر است و او خود می گوید که الفاظ قرآن به من وحی شده است.

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- در حالی که ما این الفاظ را از خود پیامبر تلقی نمی‌کنیم. کلمات آن حضرت را از راویان شنیده‌ایم. یعنی خود کلمات حضرت را نداریم، نقل کلمات حضرت نزد ما است.
- بنابراین در واقع به سخن راویان برای اثبات و حیانی بودن قرآن اعتماد کرده‌ایم، نه به سخن خود حضرت صلی الله علیه و آله.

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- توجه داریم که ما در اینجا در صدد اثبات حجیت قرآن هستیم و نمی‌توانیم به استناد حجیت خبر واحد که خود بر حجیت قرآن توقف دارد، به اثبات حجیت خود قرآن پردازیم.
- حجیت قرآن از مبادی تصدیقی علم اصول است، در حالی که حجیت خبر واحد از مسایل علم اصول می‌باشد. از سوی دیگر یکی از عمده دلایل اثبات حجیت خبر واحد، آیات قرآنی است.

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- با این وصف برای حل این مشکل تنها راه، تمسک به روایات متواتر است. در روایات متواتر، صدور روایت یقینی است، از این رو، راوی الغا می‌شود و اشکال مزبور مرتفع می‌گردد.
- به عبارت دیگر در خبر واحد باید راوی و خصوصیات او مورد فحص قرار گیرد، اما در خبر متواتر خود راوی مطرح نیست، چرا که قطعاً روایت صادر شده است. بنابراین می‌توان به روایاتی در این زمینه تمسک نمود که متواتر هستند*.

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- * لازم است اشاره کنیم که حجیت سنت، چندان تکیه‌ای بر حجیت کتاب ندارد. هر چند یکی از دلایل حجیت سنت، می‌تواند حجیت کتاب باشد. مهم‌ترین دلیل بر حجیت سنت، عصمت است. اگر عصمت نباشد، سنت اصلاً حجیتی ندارد. اما اصل عصمت به قرآن اثبات نمی‌شود؛ هر چند مراتبی از آن را می‌توان به استناد قرآن اثبات نمود. در بحث‌های آتی به مراتب عصمت و این که مرتبه‌ای از آن یعنی عصمت در تلقی و ابلاغ وحی مورد تسالم تمامی مسلمانان است، خواهیم پرداخت. در آنجا معلوم می‌گردد که حجیت قرآن به «عصمت در تلقی و ابلاغ» بستگی دارد و این مرتبه از عصمت به حکم عقل ثابت می‌گردد. علت این وابستگی، لزوم مقدماتی چون: عصمت خود وحی و عصمت گیرنده‌ی وحی برای حجیت قرآن است. یعنی بعد از اثبات و حیانی بودن قرآن برای حجیت این کتاب آسمانی باید به دو مطلب دیگر نیز پردازیم: یکی معصوم بودن خود طریق، یعنی وحی، و دیگری معصوم بودن گیرنده‌ی وحی، یعنی پیامبر.

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- سؤالی که در راستای پاسخ به اشکال قبل مطرح می‌شود، این است که آیا روایاتی که دال بر و حیانی بودن الفاظ قرآن است، متواتر است؟

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

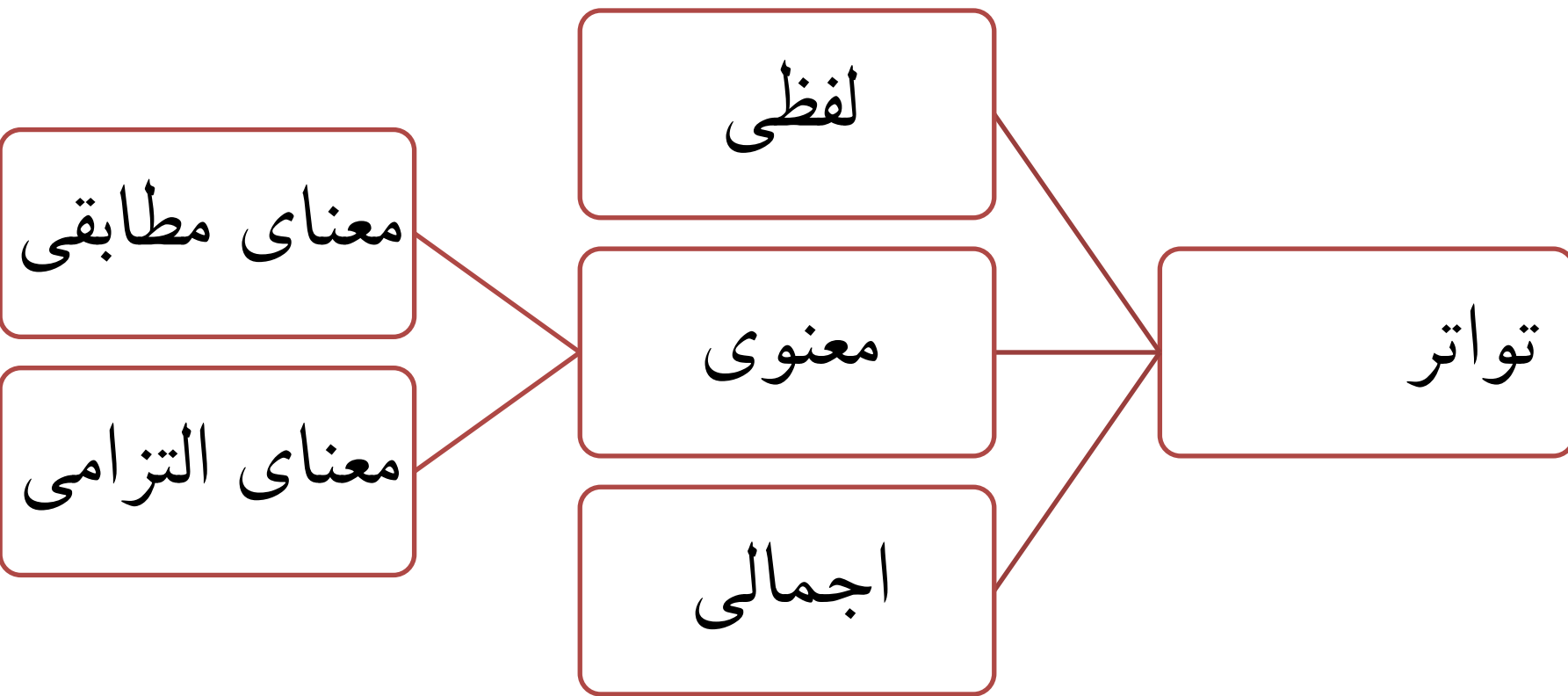
- روایت متواتر به روایتی گفته می‌شود که در تمام طبقاتش، تواتر وجود داشته باشد. یعنی جمعی از جمعی و آنها از جمعی و آنها از جمعی... نقل کرده باشند به گونه‌ای که در هر طبقه، تعداد راویان به قدری باشد که با سخن آنها یقین حاصل شود و تواطیء همگی آنها بر کذب ممکن نباشد.

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- حال از این تعداد روایاتی که در مورد داستان نزول یا شأن نزول و یا شرح آیات از پیامبر صلی الله علیه و آله صادر شده، به چه مقدار به این معنا متواترند؟
- می‌دانیم که اکثر این روایات، متواتر نیستند. در سلسله‌ی سند اکثر آنها یک یا دو نفر از یک یا دو نفر دیگر نقل می‌کنند. بنابراین تعداد به آن اندازه نیست که یقین به صدور حاصل شود.

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- در پاسخ به این اشکال باید بگوییم که اگر چه ممکن است تک تک این روایات تواتر لفظی و معنوی نداشته باشند؛ اما از مجموع این روایات، و حیانی بودن الفاظ قرآن به تواتر نقل شده است.



دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- توضیح مطلب آن که اگر یک روایت با همان الفاظی که دارد، متواتراً نقل شده باشد، تواتر را در این صورت لفظی می‌گوییم و اگر مضمون یک روایت متواتراً نقل شده باشد، تواتر را معنوی می‌نامیم.

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- در مورد این دسته از روایات نه الفاظ روایت به تواتر نقل شده و نه معنای آن. یک روایت مربوط به داستان نزول و روایت دیگر مربوط به شأن نزول و روایت سوم مربوط به شرح آیه است.

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- از سوی دیگر در آنجا که داستان نزول آیه‌ای مطرح می‌شود، یک روایت مربوط به یک آیه و روایت دیگر مربوط به آیه‌ی دیگر و... است. همین طور در روایات مربوط به شأن نزول و شرح آیات هم، آیات مورد بحث متعددند. هر روایتی فقط به یک آیه پرداخته است. پس نه این روایات در لفظ مثل هم هستند و نه اینطور است که یک معنا (مثلاً شأن نزول آیه‌ای) به الفاظ متعدد و عبارات گوناگون بیان شده باشد.

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- اما در عین حال این معنا که الفاظ قرآن و حیانی است، در همه‌ی این روایات وجود دارد؛ پس می‌توان گفت این روایات در نقل این معنا، تواتر معنوی دارند.
- شایان ذکر است که تواتر معنوی فراتر از تواتر اجمالی است و مسلماً اگر بپذیریم که تواتر در اینجا معنوی است، تواتر اجمالی هم حاصل می‌باشد.
- همان طور که تواتر لفظی بالاتر از تواتر معنوی است؛ اگر چیزی لفظاً متواتر بود، حتماً از حیث معنا نیز متواتر است.*

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- * مثلاً عبارت «من كنت مولاه فهذا علي مولاه» تواتر لفظی دارد؛ زیرا تمام روایاتی که به نقل داستان غدیر پرداخته‌اند، با تمام تفاوت‌ها و زیاده و نقصانی که دارند، این عبارت را عیناً تکرار کرده‌اند. وقتی تواتر لفظی وجود داشته باشد، به طریق اولی تواتر معنوی و تواتر اجمالی هم هست.

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- تواتر اجمالی این است که اجمالاً بدانیم از این فرضاً صد روایت، یکی حتماً صادر شده است. در حالی که در اینجا بالاتر از این مطلب را می‌خواهیم اثبات کنیم. ما می‌خواهیم بگوییم که از مجموع این روایات بر می‌آید که حضرت مسلماً و حیانی بودن الفاظ قرآن را بیان نموده است؛ اما این که این معنا را با چه عبارتی و در کدام یک از آنها مطرح کرده، امر معلوم و مشخصی نیست.

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

- با این وصف راه اول اثبات و حیانی بودن آیات قرآن، تمسک به سخن حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. در این راه ابتداءً پیامبری حضرت را از طریق سایر معجزات آن حضرت که به تواتر یا دلیل قطعی برای ما ثابت شده، اثبات و سپس به استناد روایات حضرت که در بیان و حیانی بودن الفاظ قرآن، تواتر معنوی دارد، مطلب مذکور را ثابت می‌کنیم.